۴ کشته در حوادث جوی کشور

سخنگوی سازمان اورژانس کشور از جان‌باختن چهار نفر و مصدومیت ۱۱ نفر در پی حوادث جوی اخیر خبر داد.

مجتبی لشگری با اشاره به حوادث روزهای ۱۵ تا ۱۷ آبان گفت: «وزش باد شدید، بارش باران و برف و جاری شدن سیلاب، حوادثی از جمله سقوط درخت و تیر برق، ریزش نمای ساختمان و تصادفات را در پی داشت.» به گفته وی، دو نفر در خوزستان بر اثر صاعقه جان باختند و ۱۱ نفر در استان‌های خوزستان، بوشهر و کهگیلویه‌وبویراحمد مصدوم شدند. همچنین در این مدت ۲۱ نفر در تصادفات جاده‌ای جان باختند و ۵۳۴ نفر مصدوم شدند. ۵۰ نفر نیز بر اثر مسمومیت با گاز مونوکسیدکربن دچار آسیب شدند. بارش‌های اخیر همچنین به زیرساخت‌های بیمارستان بهبهان خسارت وارد کرده‌است.



بخشش قاتل پس از ۳ بار پای چوبه دار رفتن

آرمین بینا

مرد جوانی که در جریان درگیری بر سر مسدود شدن مسیر عبور، راننده خاور شهرداری را با ضربه چاقو به قتل رسانده و سه بار پای چوبه دار رفته بود، در آستانه اجرای چهارمین حکم قصاص با گذشت اولیای‌دم بخشیده شد و از مجازات مرگ نجات یافت.

دوازدهم آذرماه سال ۱۴۰۱، گزارش یک درگیری مرگبار در ابتدای خیابان پاسداران به پلیس اعلام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد راننده جوان یک خودروی خاور شهرداری به همراه همکارش مشغول جمع‌آوری زباله و نظافت معبر بود که با راننده یک دستگاه خودروی سراتو بر سر مسدود شدن مسیر عبور درگیر شد. در جریان این مشاجره، راننده سراتو با چاقو ضربه‌ای به گردن راننده خاور وارد کرد و از محل گریخت. مرد جوان که متولد سال ۱۳۷۳ بود، به بیمارستان منتقل شد، اما به‌رغم تلاش کادر درمان جان باخت.

شناسایی و دستگیری قاتل

با مرگ راننده خاور، پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. تحقیقات تخصصی سرانجام به شناسایی متهم جوانی متولد سال ۱۳۷۰ منجر و او بازداشت شد.

متهم پس از دستگیری درباره انگیزه و چگونگی درگیری گفت: «آن شب مشروب خورده‌بودم و پشت فرمان خودروی خودم رانندگی می‌کردم که با یک خودروی پراید تصادف کردم. از ترس فرار کردم و وارد خیابانی یک‌طرفه شدم. مقتول که راننده کامیون بود، ناگهان از مسیر مخالف وارد همان خیابان شد و خلاف جهت حرکت می‌کرد.»

«وقتی به او رسیدم، با دست اشاره کردم دنده عقب برود تا بتوانم عبور کنم، اما به حرفم توجهی نکرد. بین ما مشاجره شد، ولی مردم دخالت کردند و ما را از هم جدا کردند. دقایقی بعد در خیابان دیگری دوباره با هم روبه‌رو شدیم. این بار او با چوب به من حمله کرد و من هم با چاقو ضربه‌ای به او زدم.»

۳ بار پای چوبه دار، ۳ بار مهلت

متهم پس از محاکمه در دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد و حکم صادرشده پس از طی مراحل قانونی به تأیید رسید. او در ادامه سه بار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت، اما هر بار اولیای‌دم به او مهلت دادند.

در حالی که مقدمات اجرای حکم برای چهارمین بار فراهم می‌شد، تلاش‌ها برای جلب رضایت خانواده مقتول به نتیجه رسید و اولیای‌دم از حق قصاص خود گذشتند.

بازگشت قاتل به زندگی

قاضی امین کرمانی‌نژاد، سرپرست اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران، با اعلام این خبر گفت: «این پرونده با تلاش قاضی داستانی، دادیار اجرای احکام، و برگزاری جلسات متعدد صلح و سازش به نتیجه رسید و در نهایت اولیای دم با بخشش متهم، از حق قصاص خود گذشتند.» به این ترتیب، مرد جوان که سه بار تا پای چوبه دار رفته‌بود، از مجازات قصاص رهایی یافت و فرصت دوباره‌ای برای زندگی پیدا کرد. او به‌زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه خواهد شد.

مرگ پیرمرد زیر آوار خانه قدیمی

مردی ۸۳ ساله بر اثر ریزش آوار یک خانه قدیمی در خیابان خاوران تهران جان باخت.

به گزارش «جوان»، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: «ساعت ۷:۳۴ صبح دیروز حادثه ریزش آوار در یک منزل قدیمی در خیابان خاوران به سامانه ۱۲۵ اعلام شد و آتش‌نشانان دو ایستگاه به محل اعزام شدند.» بررسی‌های اولیه نشان داد بخشی از یک ساختمان دوطبقه قدیمی به دلیل احتمال بارندگی تخریب شده است. در جریان حادثه، مردی ۸۳ ساله زیر آوار محبوس شده‌بود که آتش‌نشانان پس از آغاز عملیات جست‌وجو و آواربرداری، به او دسترسی پیدا کردند، اما متأسفانه مرگ وی از سوی عوامل اورژانس تأیید شد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با هشدار درباره احتمال تخریب خانه‌های خشتی، گلی و فرسوده در پی بارندگی‌های شدید، از ساکنان این ساختمان‌ها خواست مسیرهای خروج آب، ناودان‌ها و لوله‌های پشت‌بام را بررسی و از گرفتگی آنها جلوگیری کنند. به گفته ملکی، تجمع آب در پشت‌بام و نفوذ رطوبت به بافت فرسوده ساختمان می‌تواند استحکام بنا را کاهش دهد و خطر ریزش آوار را افزایش دهد.

۱۳ سال زندان هم شکارچی گردنبندها را اصلاح نکرد!

غلامرضا مسکنی

مجرم سابقه‌داری که پس از تحمل ۱۳سال حبس، یک سال و نیم قبل از زندان آزاد شده‌بود، دوباره به جرائم خشن روی آورد و این بار با موتورسیکلتی دست‌کاری‌شده، بیش از ۵۰ فقره گردنبندقاپی در خیابان‌های تهران مرتکب شد. او که هنگام سرقت با مشت به صورت زنان مقاومت‌کننده ضربه می‌زد، سرانجام در عملیات مأموران کلانتری ۱۰۵ سنایی دستگیر شد.

از چند ماه قبل، مأموران کلانتری ۱۰۵ سنایی در جریان سرقت‌های سریالی مرد موتورسوار نقاب‌داری قرار گرفتند که در محدوده خیابان‌های کریم‌خان، سنایی و خیابان‌های اطراف، زنان را هدف گردنبندقاپی قرار می‌داد.

با ثبت نخستین شکایت، تیمی از مأموران تجسس و گشت‌های انتظامی تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سارق آغاز کردند. بررسی شکایت‌ها نشان می‌داد مرد جوانی که سوار بر موتورسیکلت در خیابان‌ها پرسه می‌زند، زنان دارای گردنبند را زیر نظر می‌گیرد و در فرصتی مناسب به آنها نزدیک می‌شود. او در کمتر از چند ثانیه گردنبند طعمه‌هایش را می‌قاپید و با سرعت از محل فرار می‌کرد.

بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته نیز نشان داد سارق به‌تنهایی دست به سرقت می‌زند و با مهارت خاصی، در حالی که با یک دست موتورسیکلت را هدایت می‌کند، با دست دیگر گردنبند زنان را می‌قاپد. او برای اینکه چهره‌اش شناسایی نشود، هنگام سرقت ماسک به صورت می‌زد.

مشت‌های سنگین برای فرار با گردنبندهای سرقتی

از سوی دیگر، بررسی اظهارات شاکیان نشان داد سارق وقتی با مقاومت مالباخته‌ای روبه‌رو می‌شود، با مشت به صورت آنها ضربه می‌زند؛ به‌طوری که برخی از زنان بر اثر شدت ضربه برای دقایقی بیهوش می‌شوند.

تعقیب و دستگیری در خیابان قائم‌مقام

تحقیقات برای دستگیری سارق ادامه داشت تا اینکه ظهر روز جمعه پانزدهم آبان، مأموران گشت کلانتری ۱۰۵ سنایی هنگام گشت‌زنی در خیابان قائم‌مقام فراهانی به مرد موتورسوار نقاب‌داری مشکوک شدند و او را به‌صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند.

مأموران دقایقی بعد مشاهده کردند مرد موتورسوار به زنی جوان نزدیک شد، با مشت به صورت او کوبید و گردنبندش را قاپید. در این لحظه، مأموران وارد عمل شدند و به تعقیب متهم پرداختند. سرانجام پس از طی مسافتی، او را دستگیر کردند.

صبح روز گذشته، متهم برای شناسایی حضوری به سرکلانتری سوم پلیس پیشگیری تهران منتقل شد و تعدادی از شاکیان در مواجهه حضوری، او را به‌عنوان سارق گردنبندهایشان شناسایی کردند.

تغییر عجیب موتورسیکلت برای گردنبندقاپی

سرهنگ کیانوش نظری، سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری تهران، با تشریح جزئیات این پرونده گفت: «بررسی سوابق متهم نشان داد او مجرمی سابقه‌دار است که حدود یک سال و نیم قبل از زندان آزاد شده و پس از آن فعالیت مجرمانه خود را با گردنبندقاپی از زنان از سر گرفته است.»

وی با اشاره به اعتراف متهم به سرقت‌های سریالی افزود: «در جریان تحقیقات مشخص شد او موتورسیکلتش را به‌گونه‌ای تغییر داده بود که کلاچ و گاز هر دو در یک سمت فرمان قرار بگیرند تا بتواند با یک دست موتورسیکلت را کنترل کند و با دست دیگر گردنبند زنان را بقاپد.»

سرهنگ نظری همچنین از دستگیری دو مالخر در ارتباط با این پرونده خبر داد و گفت تحقیقات برای شناسایی سایر جرائم احتمالی متهم ادامه دارد.

کابوس وحشت رهایم نمی‌کند

در میان شاکیانی که برای شناسایی متهم به سرکلانتری سوم آمده بودند، زنی جوان با آثار کبودی و جراحت روی صورتش دیده می‌شد که هنوز نتوانسته بود وحشت ناشی از سرقت را فراموش کند. او می‌گفت حتی با گذشت چند روز از حادثه، شب‌ها کابوس می‌بیند.

این زن درباره روز حادثه گفت: «آن روز عصر برای آوردن دخترم از کلاس به خانه بیرون رفته بودم. بعد از پایان کلاس، همراه دخترم پیاده به سمت خانه برمی‌گشتیم که صدای گاز یک موتورسیکلت را شنیدم. به محض اینکه برگشتم تا ببینم چه کسی پشت سرمان است، راکب موتورسیکلت مشت محکمی به صورتم زد و گردنبندم را از گردنم قاپید و فرار کرد.»

«از شدت ضربه، چند دقیقه کنار خیابان بیهوش بودم. وقتی به هوش آمدم، دیدم چند نفر دورم جمع شده‌اند. آنها تصور کرده‌بودند تصادف کرده‌ام، چون سارق آن‌قدر سریع عمل کرده‌بود که کسی متوجه ماجرا نشده‌بود.»

«از آن روز به بعد، ترس و وحشت رهایم نمی‌کرد؛ به‌طوری که تا چهار روز بعد از حادثه از خانه بیرون نرفتم و شب‌ها با کابوس از خواب می‌پریدم. امروز وقتی شنیدم سارق دستگیر شده‌است، تازه احساس آرامش کردم. از مأموران پلیس که او را دستگیر کردند، تشکر می‌کنم.»

آزادی پس از ۱۳ سال حبس

سارقی که به «شکارچی» معروف است، می‌گوید آخرین بار به ۱۳ سال حبس محکوم شده و پس از تحمل دوران محکومیت، یک سال و نیم قبل از زندان آزاد شده‌است. او پس از آزادی، بار دیگر تصمیم گرفته فعالیت مجرمانه خود را از سر بگیرد و به سرقت روی بیاورد.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

به جرم گردنبندقاپی.

چند فقره سرقت کردی؟

دقیق یادم نیست، اما بیش از ۵۰ فقره گردنبندقاپی کردم.

سابقه داری؟

بله. آخرین بار ۱۴ سال قبل دستگیر شدم و به زندان افتادم.

چند سال در زندان بودی؟

۱۳ سال حبس کشیدم.

به چه جرمی محکوم شده‌بودی؟

آن زمان کیف‌قاپی می‌کردم. مواد مصرف می‌کردم و در حالت عادی نبودم. هنگام کیف‌قاپی هم از چاقو استفاده می‌کردم. در جریان زورگیری‌ها، چند نفر از مالباخته‌ها را هنگام درگیری هل دادم که زمین خوردند و به کما رفتند. شانس آوردم که فوت نکردند، وگرنه قصاص می‌شدم. البته به خاطر سنگینی جرائمم، قاضی مرا به ۱۳ سال حبس محکوم کرد. تصور می‌کردم در زندان بمیرم، اما دوام آوردم و یک سال و نیم قبل آزاد شدم.

۱۳ سال زندان برایت عبرت نشد؟

چرا، عبرت شد. به همین دلیل بعد از آزادی در یک فروشگاه لباس مشغول کارگری شدم، اما دوباره به سمت اعتیاد کشیده‌شدم. صاحب‌کارم متوجه اعتیادم شد و مرا اخراج کرد. بعد از آن دوباره تصمیم گرفتم برای تأمین هزینه موادم خلاف کنم.

چرا این بار کیف‌قاپی نکردی؟

درست است که کیف‌قاپ حرفه‌ای هستم، اما این روزها کسی پول نقد داخل کیفش نمی‌گذارد و بیشتر کیف‌ها فقط کارت عابربانک دارند که سرقت آنها فایده‌ای ندارد. به همین دلیل تصمیم گرفتم گردنبندقاپی کنم. اول اینکه قیمت طلا بالاست و دوم اینکه زنان را راحت‌تر می‌توان هدف سرقت قرار داد.



از چه زمانی گردنبندقاپی را شروع کردی؟

حدود پنج ماه قبل.

درباره شیوه سرقت‌هایت توضیح بده.

با موتورسیکلت به سمت زنانی می‌رفتم که متوجه می‌شدم گردنبند طلا دارند. در یک چشم برهم زدن گردنبند را می‌قاپیدم و داخل دهانم می‌گذاشتم. اگر هم زنی مقاومت می‌کرد، با مشت ضربه محکمی به صورتش می‌زدم تا دیگر نتواند مقاومت کند.

چرا گردنبندهای سرقتی را داخل دهانت می‌گذاشتی؟

اولین گردنبندی را که سرقت کردم، وقتی سرم را برگرداندم متوجه یک خودروی پلیس شدم. خیلی ترسیدم و طلا را داخل دهانم گذاشتم. با خودم فکر کردم اگر دستگیر شوم، آن را می‌بلعم تا مأموران هنگام بازرسی بدنی پیدایش نکنند. بعد از آن این کار برایم عادت شد و هر گردنبندی را که می‌قاپیدم، داخل دهانم می‌گذاشتم.

طلاهای سرقتی را چطور می‌فروختی؟

ابتدا به چند طلافروشی مراجعه می‌کردم و به بهانه فروش، گردنبندها را وزن می‌کردم تا از قیمتشان مطلع شوم. بعد طلاها را با ۴ تا ۵ میلیون تومان کمتر از قیمت واقعی به مالخر می‌فروختم و پولش را خرج مواد می‌کردم.

چرا موتورسیکلتت را دست‌کاری کرده‌بودی؟

چون به‌تنهایی سرقت می‌کردم، باید با یک دست موتورسیکلت را می‌راندم و با دست دیگر گردنبند را می‌قاپیدم. به همین دلیل سیستم کلاچ را به سمت راست فرمان، کنار دسته گاز، منتقل کرده بودم تا بتوانم با یک دست موتورسیکلت را کنترل کنم و دست چپم برای سرقت آزاد باشد.

واژگونی اتوبوس تیم بسکتبال زنان در مسیر تهران

اتوبوس حامل تیم بسکتبال زنان «سحر آکادمی» پس از برگزاری مسابقه مقابل تیم پالایش نفت آبادان، هنگام بازگشت به تهران دچار سانحه و واژگون شد.

روز گذشته واژگونی اتوبوس حامل تیم بسکتبال زنان «سحر آکادمی» پس از برگزاری مسابقه مقابل تیم پالایش نفت آبادان اتفاق افتاد. در جریان حادثه، تعدادی از بازیکنان و اعضای کادر تیم به بیمارستان شوش و گروهی دیگر به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شدند و تحت مراقبت پزشکی قرار گرفتند. طبق آخرین گزارش، حال عمومی تعدادی از حادثه‌دیدگان مساعد است و در انتظار ترخیص هستند؛ سایر مصدومان نیز همچنان تحت مراقبت قرار دارند. علت حادثه در دست بررسی است.

خانم عادلی، سرپرست تیم سحر آکادمی، در شرح حادثه به مهر گفت: «ما برای بازگشت به تهران بلیت قطار تهیه کرده‌بودیم، اما به دلیل ریزش کوه، سفر ریلی لغو شد. به همین دلیل، یک دستگاه اتوبوس VIP برای بازگشت تیم تهیه شد. در نزدیکی شوش بودیم و بارندگی شدیدی جریان داشت. راننده به ما اطمینان داد با احتیاط و سرعت کم حرکت می‌کند، اما حدود ساعت ۱۲ شب، در حالی که بیشتر اعضای تیم در خواب بودند، اتوبوس واژگون شد.» وی ادامه داد: «خدا را شکر حال عمومی همه بچه‌ها خوب است، هر چند تعدادی از آنها دچار جراحت شده‌اند و چند مورد شکستگی نیز وجود دارد.» وی با اشاره به بستری شدن فرزند یکی از مربیان در بخش مراقبت‌های ویژه خاطرنشان کرد: «تنها نگرانی جدی ما در حال حاضر وضعیت ایشان است. امیدواریم به لطف خدا هرچه زودتر سلامتی خود را به دست بیاورند.»



خیابان میدان نمایش غفلت‌ها

یادداشت



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

آنچه این روزها در برخی خیابان‌های پایتخت و در فضای مجازی از انتشار تصاویر و فیلم‌های زنان و دختران با رواج جلوه‌های آشکار ابتذال و بی‌پروایی جنسی در معابر دیده می‌شود، باید نشانه‌ای از انباشت مسائل فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی دانست، مسائلی که سال‌ها درباره پیامدهای بی‌توجهی به آنها هشدار داده شد، اما تصمیم‌گیران به‌جای مواجهه‌ای هوشمندانه، اغلب میان انفعال و برخوردهای سلبی در رفت‌وآمد بودند.

پس از وقایع مربوط به درگذشت مهسا امینی، جامعه وارد مرحله‌ای تازه از مناقشه درباره پوشش، سبک زندگی و حدود مداخله در حوزه اجتماعی شد. این تحولات را نمی‌توان تنها با چند دستور اداری، برخورد انتظامی یا ارسال پیامک مدیریت کرد. واقعیت این است که مسائل فرهنگی، با بخشنامه و واکنش‌های مقطعی حل نمی‌شوند و هرگاه ساختار تصمیم‌گیری از شناخت تحولات جامعه بازبماند، فاصله میان سیاست‌های رسمی و واقعیت‌های اجتماعی عمیق‌تر خواهد شد.

امروز انتشار فیلم‌های بدن‌نمایی آشکار و رفتارهای مغایر با عفت عمومی از حضور زنان و دختران، از جمله محدوده‌هایی مانند خیابان ایرانشهر، پرسش‌های جدی‌تری را مطرح کرده است. آیا با پدیده‌ای خودجوش روبه‌رو هستیم یا مجموعه‌ای از عوامل و انگیزه‌های متفاوت در شکل‌گیری و برجسته‌شدن آن نقش دارند؟ آیا پای بهره‌برداری سیاسی، فعالیت جریان‌های فرصت‌طلب یا منافع اقتصادی در میان است؟ با این حال، نمی‌توان احتمال بهره‌برداری جریان‌های مختلف از شکاف‌های اجتماعی را نادیده گرفت. هر خلأ مدیریتی می‌تواند به فرصتی برای گروه‌هایی تبدیل شود که منافع خود را در تشدید تنش و بی‌اعتمادی جست‌وجو می‌کنند. در چنین شرایطی، دختران و زنان حاضر در این فضاها نیز نباید صرفاً به‌عنوان ابزار یا عامل یک جریان معرفی شوند. نگرانی اصلی آنجاست که برخی مدیران همچنان تصور می‌کنند برای مواجهه با چنین پدیده‌هایی باید همان مسیرهای پرهزینه گذشته را تکرار کرد، مسیری که ممکن است به تشدید تقابل، افزایش نارضایتی و بازشدن زخم‌های اجتماعی منجر شود. برخوردهای شتابزده و نمایشی، بدون شناخت ریشه‌ها و پیامدها، نه‌تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند زمینه سوءاستفاده فرصت‌طلبان را نیز فراهم کند.

از سوی دیگر، نمی‌توان مسئولیت را تنها متوجه نیروی انتظامی یا دستگاه‌های اجرایی دانست. نهادهای فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای و تصمیم‌ساز نیز باید پاسخ دهند که در سال‌های گذشته برای گفت‌وگو با نسل جوان، شناخت تغییرات سبک زندگی و ترمیم اعتماد عمومی چه کرده‌اند. چرا هشدارهای کارشناسان اجتماعی درباره پیامدهای شکاف نسلی و ناکارآمدی روش‌های قدیمی جدی گرفته نشد؟ چرا زمانی که هنوز امکان پیشگیری وجود داشت، برنامه‌ای جامع و قابل‌ارزیابی شکل نگرفت؟

در این میان، اظهارات و هشدارهای برخی نمایندگان مجلس درباره عملکرد مدیران و ضرورت پاسخ‌گویی ساختارهای مسئول نیز باید در چارچوب مطالبه شفافیت و مسئولیت‌پذیری مورد توجه قرار گیرد. پرسش این است که اگر ضعف مدیریتی یا تعارض منافع در برخی سطوح وجود دارد، چه سازوکاری برای شناسایی و اصلاح آن در نظر گرفته شده‌است؟ کشور در سال‌های اخیر بحران‌ها و فشارهای سنگینی را پشت سر گذاشته است. در چنین شرایطی، حفظ انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی اهمیتی دوچندان دارد. نمی‌توان از مردم انتظار همراهی داشت، اما صدای نگرانی‌ها و مطالبات آنان را نشنید.

همچنین نمی‌توان با برخوردهای احساسی و امنیتی کردن هر مسئله اجتماعی، انتظار داشت شکاف‌ها ترمیم شوند. پدیده‌های فرهنگی یک‌شبه شکل نمی‌گیرند و با یک دستور نیز از میان نمی‌روند. آنچه امروز در خیابان‌ها دیده می‌شود، می‌تواند حاصل سال‌ها بی‌توجهی به نشانه‌هایی باشد که زمانی کوچک به نظر می‌رسیدند. اکنون زمان آن رسیده‌است که مسئولان به جای تماشای پیامدها یا تکرار روش‌های آزموده‌شده و ناکارآمد، به سراغ ریشه‌ها بروند، با گفت‌وگو، شفافیت، بررسی علمی و پاسخ‌خواهی از مدیران. مسئله امروز، مسئله اعتبار سیاست‌گذاری فرهنگی و توانایی ساختار تصمیم‌گیری برای شنیدن جامعه است. اگر این هشدارها بار دیگر نادیده گرفته شوند، هزینه غفلت امروز را جامعه در سال‌های آینده خواهد پرداخت.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۷۴۳۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد بابائی به شناسنامه شماره ۳۴۵۹۴ صادره از میانه فرزند رضا قلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۴۹ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۵۳۶۲۶ فرعی از ۱۷۰ اصلی، واقع در البرز و با مالکیت مالک اولیه خود متقاضی تائید می نماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، درصورتی اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم .نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
شناسه آگهی: ۲۳۰۶۴۹۴
حسین رضا نوری شاد – رئیس
اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۷۴۷۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا اسماعیلی به شناسنامه شماره ۵۵۱ صادره از هشترود فرزند اروجعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۸۰ مترمربع مفروز از دوم تفکیکی از پلاک شماره ۳۶۵ فرعی از ۱۷۰ اصلی، واقع در البرز و با خریداری از آقای رضا خرد دهقان و با مالکیت مالک اولیه آقای امان اله روستا رفیع تأئید می نماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدموصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
شناسه آگهی: ۲۳۰۶۴۶۶
حسین رضا نوری شاد – رئیس
اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی تجدید مناقصه عمومی
نوبت اول
سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس
ARAS FREE ZONE
عملیات تخریب ، تهیه مصالح و جدولگذاری رفوژهای کناری و میانی بلوار رسالت از حد فاصل اداره راهنمایی تا میدان بادبود
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۱۷۵۰۰۰۰۰۵۶
اطلاعات بیشتر: arasfz.ir
سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸